

## جنایت بیشتر حاکمان در سرانجام سقوط !

پس از حرکت‌های اعتراضی شبانه‌ی دانش‌جویان و مردم در دهه‌ی آخر خردادماه، هم‌راه با اعتصابات کارگران و مشخصاً اعتصاب غذای کارگران چیت‌سازی بهشهر، حکام وحشت‌زده‌ی جمهوری اسلامی، برای جلوگیری از گسترش این اعتراضات در ۱۸ تیر، بگیر و ببند وسیعی راه انداخته و هزاران نفر را به سپاه‌چالهای شکنجه کشاندند. برخی از سران رژیم در تریبونهای نماز جمعه و غیره آشکارا تهدید "می‌کشیم‌تان" را سردادند تا مگر به این وسیله و با مرعوب و سرکوب کردن مردم موقعیت متزلزل خود را برای چند صباحی در قدرت تثبیت کنند. کشتن فرهمند صادق‌وزیری از زندانیان سیاسی سابق و عضو کومه‌له و زهرا کاظمی خبرنگار در زیر شکنجه، محکوم به اعدام کردن اسماعیل محمدی عضو دیگر کومه‌له، شکنجه‌ی دستگیر شده‌گان یک ماه اخیر برای گرفتن "اقرار" از آنان به‌عنوان جاسوس کشورهای دیگر، ربودن جوانان و روانه کردن آنها به شکنجه‌گاه‌های قرون وسطائی و غیره، شمه‌ای از جنایات اخیر سران رژیم را به‌عیان نشان می‌دهد.

درحالی که مردم، با طرح شعار "نه‌شاه‌می‌خواهیم، نه رهبر - نه جنتی، نه اکبر!" به‌طور روشنی نفرت خود را از حاکمان فعلی و سلطنت‌طلبان در انتظار، نشان دادند و اعلام نمودند که "توپ و تانک و بسیجی، دیگر اثر ندارند!" و در پی فرستادن این رژیم منحوس به زباله‌دانی تاریخ می‌باشند.

آن‌چه را که امروز رژیم توسط دستگاه قضائی منحن خود انجام می‌دهد، تداوم همان اعمال ضدانسانی است که به‌ویژه در ۱۰۰ سال اخیر پیوسته توسط رژیم‌های سلطنتی و خود جمهوری اسلامی، تکرار شده‌است. و جواب مردم به آنها پیوسته این بوده است که قربانی اراده‌ی خلق را در مبارزه علیه رژیم استوارتر می‌کند و علیرغم این که "هرشب ستاره‌ای به‌زمین می‌کشد و باز- این آسمان غم‌زده غرق ستاره‌است". و همین مبارزه است که با تداوم اش، وضعیتی را پیش آورده که روزی که سردمداران رژیم در دریای خون‌های ریخته شده توسط خودشان غرق شوند، چندان دور نیست. مردم چهره‌ی دژخیمان حکام اسلامی را به‌خوبی می‌شناسند و می‌دانند که اینان جز خون‌ریزی، دزدی، فساد، ضدیت با حیات بشر و ستودن مرگ و انحطاط، در ۲۴ سال اخیر کاری انجام نداده‌اند.

مردم ایران هم‌چنین خوب می‌دانند که سران رژیم هرگز حاضر به تحویل مسالمت‌آمیز قدرت به مردم و از جمله با برگزاری فراندوم، نخواهند شد و تا واپسین دم مرگ از اعمال جنایت در حق مردم دریغ نخواهند کرد.

مردم به‌علاوه گرگان در لباس میش را که با تکیه به امپریالیستها و مشخصاً امپریالیسم آمریکا رؤیای رسیدن به قدرت را در سر می‌پروراند، خوب می‌شناسند و حاضر نیستند بار دیگر طوق بنده‌گی امپریالیسم را برگردن‌هایشان بگذارند.

با توجه به این وضعیت، در میان نیروهای اپوزیسیون ضد رژیم، تنها نیروهای آگاه و مبارز و در پیشاپیش آنها کمونیستها هستند که از سالها پیش فریاد زده‌اند که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار رژیمی عادلانه، جز با توسل به قهرانقلابی، ممکن نیست و با دست به دست شدن قدرت بین جناح‌های بورژوازی، مشکلات و معضلات مردم ایران حل نشده و دیکتاتوری این طبقه هم‌چنان عرصه را برای مردم کارگر و زحمت‌کش جهت ورود به قلمرو آزادی، عدالت اجتماعی و رفاه تنگ و تنگ‌تر خواهد کرد و لذا جز با خرد کردن ماشین دولتی بورژوازی، برپایی حکومت شورایی کارگران و زحمت‌کشان و تحقق سوسیالیسم، اکثریت مردم ایران روز رهایی از قید استثمار و ستم طبقاتی و استعمار را نخواهند دید.

در چنین شرایطی، وظیفه‌ی فوری کمونیستهاست تا خود را از تنگنای سترون فعالیت‌های جداگانه و فرقه‌ای درآورند و دوش‌به‌دوش هم‌دیگر، در صفی واحد و زیر فرماندهی واحدی و در پیوند با مبارزات طبقه‌ی کارگر و زحمت‌کشان، زنان و جوانان، دانش‌جویان، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه‌نگاران و غیره، مبارزه جهت براندازی رژیم جمهوری اسلامی و کلا نظام سرمایه‌داری را در ایران پیش بَرده و در این مبارزه‌ی سرنوشت‌ساز نقش رهبران واقعی مردم را به‌دست آورند.

نگذاریم سناریوی قتل‌های زنجیره‌ای بار دیگر تکرار شود !

برای نجات جان زندانیان سیاسی مشترکا مبارزه کنیم !

برای تشکیل دادگاه بین‌المللی مردمی جهت محاکمه‌ی سران رژیم، بکوشیم!  
برای سرنگونی رژیم متحد و متشکل شویم!  
برای تحقق دموکراسی پرولتری و سوسیالیسم تلاش کنیم!  
۳ مرداد ۱۳۸۲ - حزب رنجبران ایران